



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# مقالات

سبب صدور زیارت غدیریه ی

امام هادی علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سبب صدور زیارت غدیریه ی امام هادی علیه السلام

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

صحیفه اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	سبب صدور زیارت غدیریه ی امام هادی علیه السلام
۶	مشخصات مقاله
۶	پیشگفتار
۷	مقدمه
۸	منبع زیارت
۹	سند زیارت
۱۰	گزارشی از متن زیارت
۱۳	فضای سیاسی فرهنگی حاکم در زمان امام هادی علیه السلام
۱۴	عالمان اهل سنت و خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام
۲۲	اجماع، قرآن و حدیث
۲۵	نتیجه
۲۵	منابع
۳۲	درباره مرکز

سبب صدور زیارت غدیریه ی امام هادی علیه السلام

منبع: صحیفه اهل بیت (علیهم السلام)، بهار و تابستان 1395 - شماره 3 و 4، رحیم دل، فاطمه؛ ملکی تراکمه ای، محمود

خیراندیش دیجیتال: جناب آقای سید علی بحرینی به نیابت از مرحومه حاجیه خانم کسایی - گروه هم پیمانان موعود غدیر.

ص: 1

### پیشگفتار

زیارت غدیریه ی امیر المومنین علی علیه السلام که منتسب به امام هادی علیه السلام است، سرشار از آیات، روایات و مستندات تاریخی در اثبات فضیلت و ولایت علی علیه السلام است. نویسنده، صدور این زیارت را به حضور و غلبه ی باور ترییع در جامعه ناظر دانسته، استفاده ی امام از آیات و احادیث نبوی را برای اثبات ولایت و خلافت آن حضرت به دلیل اجماع همه ی مسلمانان بر پذیرش کتاب و سنت امری بجا می داند. آنچه می تواند ما را در شناساندن سبب صدور زیارت غدیریه یاری کند، آگاهی از چگونگی نگاه غالب جامعه درباره ی آن چیزی است که این زیارت بدان پرداخته است. باید دید نظر علمای برجسته ای که در عهد امام یا اندکی پیش یا پس از امام می زیسته اند و از مکتب خلفا دفاع می کردند، چه بوده است. چرایی حجم گسترده ی استفاده ی امام از مستندات قرآنی و حدیثی نیز خود پرسش دیگری است که بدان پاسخ خواهیم گفت. امام هادی علیه السلام در این زیارت از هجده آیه ی تلمیح، سی و دو آیه ی تضمین و بیست و هشت آیه ی اقتباس شده استفاده می کنند. و همچنین سه حدیث تضمینی، هفت حدیث اقتباسی و هشت حدیث تلمیحی در این زیارت دیده می شود. در مجموع امام هادی علیه السلام از هفتاد و هشت آیه و

ص: 1

هجده حدیث نبوی بهره برده اند. نیز وقایعی که تاریخ اسلام به آن اذعان دارد را به عنوان سندی محکم برای اثبات ولایت امیرالمومنین علی علیه السلام بیان می کنند.

## مقدمه

آیات تبلیغ، اكمال دین، تطهیر، مباحله، مودت، ولایت، اولوا الامر، اطعام طعام از آیاتی هستند که به روشنی بر ولایت و فضیلت امیر المومنین علی علیه السلام دلالت دارند. در احادیث نبوی نیز در فضیلت و ولایت آن حضرت سخن بسیار رفته است. احادیث غدیر، طیر مشوی، رایت، منزلت، ثقلین اندکی از بسیار است.

در گفتار اهل بیت علیهم السلام نیز در این باره سخن فراوان است و آن بزرگواران همیشه و همواره، فضیلت، امامت، خلافت الهی و ولایت امیرالمومنین علیه السلام را یادآور شده اند تا جامعه این مهم را از یاد نبرد. شخص امیرالمومنین علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، امام مجتبی علیه السلام، امام حسین علیه السلام، امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام هر یک در نشر ولایت آن حضرت و اثبات جانشینی الهی ایشان و فضایل حضرتش سخن گفته اند.

در نیمه ی اول قرن سوم هجری نیز متنی بلند در قالب زیارت از امام هادی علیه السلام رسیده است که سرشار از آیات قرآن و احادیث نبوی در برتری امیرالمومنین علیه السلام برای خلافت و بیان شایستگی های آن حضرت است.

سبب صدور: حدیث که حکایت سخن، فعل یا تقریر معصوم است، گاه به صورت قضیه ی حقیقیه است و گاه ناظر به شرایط اجتماعی و فرهنگی

ص: 2

زمان امامان است. به شرایطی که احادیث دسته ی دوم ناظر به آن هاست، سبب ورود یا سبب صدور حدیث گویند. فایده ی شناخت سبب صدور حدیث، کمک به فهم حدیث است؛ چرا که زمینه های فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی همچون قرینه ای یاری گر فهم متن هستند. زیارت غدیریه نیز در عداد حدیث به شمار می رود و از این قانون مستثنا نیست و سببی برای صدور آن وجود دارد. آنچه می تواند ما را در شناساندن سبب صدور زیارت غدیریه یاری کند، آگاهی از چگونگی نگاه غالب جامعه درباره ی آن چیزی است که این زیارت بدان پرداخته است. باید دید نظر علمای برجسته ای که در عهد امام یا اندکی پیش یا پس از امام می زیسته اند و از مکتب خلفا دفاع می کردند، چه بوده است. چرایی حجم گسترده ی استفاده ی امام از مستندات قرآنی و حدیثی نیز خود پرسش دیگری است که بدان پاسخ خواهیم گفت.

## منبع زیارت

المزار الکبیر اثر ابو عبد الله محمد بن جعفر بن علی مشهدی حایری معروف به ابن مشهدی است که در قرن ششم هجری می زیسته است. ابن شهر آشوب، محمد بن ابو القاسم طبری، ابو محمد عبد الله بن جعفر دوریستی، شاذان بن جبرئیل قمی، ابو الحسین یحیی بن حسن بطریق، ورام بن ابی فراس برخی از مشایخ وی به شمار می روند. فنخار بن معد الموسوی، محمد بن جعفر بن نما حلی، علی بن الحسین بن حماد واسطی و هبة الله بن سلمان نیز از مشهدی روایت می کنند. بغية الطالب و ایضاح المناسک و ما اتفق من الأخبار فی



فضل الأئمة الأطهار از آثار وی است که مع الاسف تاکنون نسخه ای از این دو شناسایی نشده است. دو اثر از وی به جا مانده است: المزار الكبير و اقرار الصحابة بفضل امام الهدی و القرابة. مرحوم مجلسی در بحار الانوار، از المزار الكبير یاد کرده است. این کتاب، یکی از مدارک مرحوم نوری در مستدرک الوسائل بوده است. در پایان باید افزود مرحوم سید بن طاووس علاوه بر اعتماد به این کتاب و نقل فراوان از آن، زبان به مدحش نیز گشوده است.

این کتاب چنانکه از نامش پیداست شامل زیارت های معصومان علیهم السلام است، از جمله ی این زیارت ها زیارت غدیریه ی امام هادی علیه السلام است. محدث نوری این زیارت را در کتابی دیگر که از آن به مزار قدیم نام می برد، یافته است که سندش با سند مشهدی متفاوت است. نوری بر این باور است که مولف مزار قدیم معاصر مشهدی است. پس از این عبدالکریم بن احمد بن موسی ابن طاووس (د. 693ق) این زیارت را در فرحة الغری ذکر کرده است. عبدالکریم این زیارت را از کتاب المزار مشهدی نقل کرده است. این زیارت را شهید اول (د. 786ق) نیز در المزار آورده است. علامه مجلسی (د. 1110ق) در بحار الانوار و مفتاح الجنان نیز این زیارت را نقل کرده است.

### سند زیارت

مشهدی سند این زیارت را از دو طریق روایت کرده است: طریق اول را مشهدی از ابوجعفر محمد معروف به ابن حمد نحوی در سال 571 روایت می کند، که سند را به امام حسن عسکری علیه السلام رسانده است. این سند از استاد مشهدی

تا امام عسکری علیه السلام افتادگی دارد و مرسل است.

اما طرق دوم زیارت متصل است: وَأَخْبَرَنِي الْفَقِيهُ الْأَجَلُّ أَبُو الْفَضْلِ شَاذَانَ بْنِ جَبْرِئِيلَ الْقَمِّيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ الْفَقِيهِ الْعِمَادِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ لَطَبْرِيِّ، عَنْ أَبِي عَلِيٍّ، عَنْ وَالِدِهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ، عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ جَعْفَرِ بْنِ قَوْلَاوِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلِينِي، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ بْنِ رُوحٍ وَعُثْمَانَ بْنِ سَعِيدِ الْعَمْرِيِّ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا.

در یک بررسی اجمالی بزرگان شیعه را در این طریق حاضر می بینیم: ابو الفضل شاذان بن جبرئیل عالم، فاضل، فقیه، محمد بن ابو القاسم بن محمد طبری ملقب به عمادالدین، عالم، فقیه، ثقه، جلیل القدر، ابوعلی فرزند شیخ طوسی محدث نجیب، نامدار به مفید ثانی، شیخ ابو جعفر طوسی، شیخ الطائفة، محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید، که در فقه و کلام و وثاقت و دانش فضلش مشهورتر از آن است که وصف شود، ابو القاسم جعفر بن قولویه از بزرگان شیعه در فقه و حدیث. محمد بن یعقوب کلینی مولف کتاب الکافی به اوثق و اضبط محدثان توصیف شده است، علی بن ابراهیم بن هاشم ثقه، مورد اعتماد و مُکَثَّر در حدیث، ابراهیم بن هاشم نخستین منتشر کننده ی حدیث کوفیان در قم که بسیاری از احادیث الکافی از طریق ایشان رسیده است، حسین بن روح نوبختی و عثمان بن سعید عمری هر دو از سفرای حضرت ولی عصر علیه السلام.

بنابراین سند این زیارت صحیح است.

## گزارشی از متن زیارت

این زیارت مشتمل بر استدلال هایی از قرآن، روایات پیامبر

اکرم صلی الله علیه وآله و مسلمات تاریخی است که بیانگر مرتبت و منزلت امیرالمومنین علیه السلام است. در این زیارت بیش از هفتاد آیه ی قرآن به صورت کامل یا بخشی از آن به گونه ی صریح یا غیر مستقیم آمده است. همچنین احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله درباره ی منزلت و مقام بی مانند علی بن ابی طالب علیه السلام و وصایت و خلافت بلافصل حضرت علی علیه السلام آمده است. در این زیارت به بخش هایی از تاریخ که شیعه و سنی آن را قبول دارند، اشاره شده و به غصب خلافت و ستم هایی که به ایشان روا داشته شده، پرداخته شده است.

زیارت با سلام بر رسول خدا آغاز شده و با سلام بر انبیا الهی و فرشتگان مقرب و عباد صالح خداوند ادامه می یابد. در این زیارت امام هادی علیه السلام شش سلام به امیرالمومنین علیه السلام دارند، که در پی هر سلام اوصاف و مناقب علی علیه السلام آمده است، منقبت هایی که همه ی آن در احادیث نبوی وجود دارد.

امام، لقب «امیرالمومنین» را در این زیارت ده بار به کار برده اند؛ که پنج بار آن را همراه با سلام، سه بار برای شهادت (أشهد)، و دو بار برای لعن دشمنان حضرت استفاده کرده اند. سیزده بار از لفظ «أشهد» استفاده کرده اند، که با هر شهادتی چندین فضیلت از فضائل امیرالمومنین علیه السلام بیان می شود. هفت بار با لفظ «مولای» و «مولی المومنین» برای امیرالمومنین علیه السلام بکار رفته است.

در طول زیارت، مجموعه ای از صفات حضرت که

بندگی محض ایشان از اوامر الهی و اطاعت از رسول الله صلی الله علیه وآله را نشان می دهد و قرآن، احادیث و تاریخ روشنگر آن هستند، بیان می شود. در این زیارتنامه، در راستای هدف اثبات فضائل حضرت امیر علیه السلام به جنگ هایی که حضرت در زمان رسول الله صلی الله علیه وآله در آن ها شرکت کردند، از جمله جنگ بدر، احزاب، احد، حنین و خیبر و جنگ های زمان حکومت حضرتش که ناکثین، مارقین و قاسطین به ایشان تحمیل کردند، نیز اشاره شده است. در بخش آخر به پا داشتن حقیقت و عدالت از طرف حضرت علی علیه السلام پرداخته می شود.

در آخر زیارت امام علیه السلام چند گروه که در حق انبیا و اوصیا انبیاء ظلم کردند را لعن می کنند و از خداوند می خواهد ایشان را در زمره ی کسانی که به واسطه ی ولایت و محبت محمد و آل محمد صلی الله علیه وآله به فوز و سعادت رسیده و ایمن از عذاب گردیدند، قرار دهد.

در این زیارت هجده آیه ی تلمیح، سی و دو آیه ی تضمین و بیست و هشت آیه ی اقتباس آمده است. نیز سه حدیث تضمینی، هفت حدیث اقتباسی و هشت حدیث تلمیحی در این زیارت استفاده شده است که در مجموع امام هادی علیه السلام از هفتاد و هشت آیه و هجده حدیث نبوی در این زیارت استفاده کرده اند.

این حجم بالای استفاده مدارک و مستندات قرآنی و احادیث نبوی جای پرسش دارد که چرا متنی چنین با این همه آیه و حدیث در این زمان از زبان

امام هادی علیه السلام صادر شده است؟ نوشتار پیش رو می‌کوشد سبب صدور این زیارت را بکاود.

## فضای سیاسی فرهنگی حاکم در زمان امام هادی علیه السلام

امام هادی علیه السلام در سال 220 هجری در زمان حکومت معتصم به امامت رسید معتصم در سال 227 از دنیا رفت سپس تا سال 232 واثق و بعد از او متوکل خلافت را برعهده گرفت. بنابر نقل ابوالفرج در مقاتل الطالبیین معتصم هیچ علوی را نکشت. دو علوی که به مخالفت با او برخاسته بودند را به زندان انداخت که یکی فرار کرد و دیگری در زندان از دنیا رفت. زمان متوکل اما سخت‌گیری بر آل ابی طالب شدت گرفت. قتل و حبس و فقر این خاندان در زمان متوکل رواج یافت. او به این کارها بسنده نکرد، حتی قبر امام حسین بن علی علیهما السلام را تخریب کرد. و همچنین می‌توان به ماجرای شهادت ابن سکیت در پاسخ به سوال متوکل اشاره کرد. او از ابن سکیت پرسید: آیا فرزندان من برترند یا فرزندان علی علیه السلام؟ پاسخ داد: قنبر غلام علی علیه السلام از فرزندان تو برترند.

تا پیش از زمامداری متوکل خلفا از معتزلیان در برابر اهل حدیث دفاع می‌کردند. همین امر فضایی مساعد برای علویان را به وجود آورده بود؛ اما متوکل به جانبداری از اهل حدیث همت گماشت از این رو او را به احیاگر سنت ستوده‌اند. این اقدامات متوکل فضای مناسبی را برای ترویج باورهای اهل حدیث فراهم کرد. حدیث در این قرن معیار فرهنگ عمومی جهان اسلام است و فرهنگ عمومی جامعه بر اساس آن شکل می‌گیرد؛ نگاهی گذرا به قرن سوم و

ظهور جوامع مهم حدیثی اهل سنت در این قرن خود گواهی بر این سخن است.

پیش از پرداختن به نگاه عالمان آن دوره لازم است دو نکته را یادآور شویم: نکته ی اول اینکه در متن زیارت آمده این زیارت را امام هادی علیه السلام در سالی که معتصم ایشان را به سامرا فرا خواند، فرموده است و روشن است که تبعید امام به سامرا و حصر خانگی آن حضرت در زمان متوکل بوده نه در زمان معتصم و احتمال سهو ناسخان در این متن احتمالی بجاست. نکته ی دیگر اینکه چگونه ممکن است این زیارت با این همه فضایل و مراتب امیرالمومنین علی علیه السلام در چنان فضایی غبارآلود و پرخفقان از امام هادی علیه السلام صادر شود؟

به نظر می رسد با بررسی برخی رخدادهای تاریخی بتوان بدین گونه به این پرسش پاسخ گفت که متوکل در ذیحجه ی سال 232 به خلافت رسید و در سال 233 ق طی نامه ای از امام خواست به سامرا سفر کند؛ اما تلاش متوکل در نشر حدیث در سال 234 ق به بار نشست از این رو سال 233 ق سال آماده کردن مقدمات بوده است. از این رو امام از فرصت استفاده کرده حقایق را آشکار کرد؛ چرا که امام هم حرکت های پیشین اهل حدیث و اقبال به آنان را دیده بود و هم با توجه به اقدامات متوکل در اوایل خلافتش مانند اکرام احمد حنبل و نهی از قول به خلق قرآن دانستن حرکت های بعدی اش صرف نظر از دانش امام به آینده کار دشواری نبود.

## عالمان اهل سنت و خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام

در نیمه ی نخستین سده

ص: 9

ی سوم هجری و اندکی پیشتر یا پس از آن، عالمان اهل سنت درباره ی خلافت امیرالمومنین علی علیه السلام به نحو گسترده ای در آثار خود اظهار نظر کرده اند. در این میان مرتبت امیرالمومنین علیه السلام پس از ابوبکر، عمر و عثمان دانسته شده است. این جستجو بیشتر بر عالمان به نام و صاحب اثر متمرکز بوده است هر چند امکان یافتن موارد دیگر با جستجوی بیشتر وجود دارد:

#### 1- محمد بن ادريس شافعی (د. 204ق)

او از امامان چهارگانه ی اهل سنت به شمار می آید. وی را پیشوا، دانشمند زمان، یاری گر دین و فقیه مذهب دانسته اند که سنت ها با مرگ او از بین رفت. برخی درباره ی او گفته اند که عاقل تر یا فقیه تر از شافعی دیده نشده است. احمد بن حنبل نیز شافعی را در دانش های لغت شناسی، اختلاف فقها، معانی و فقه فیلسوف دانسته است. شافعی تعداد «خلفای راشدین» را پنج نفر می داند و ترتیب آن ها را بر حسب خلافت و فضیلت بدین گونه بیان می کند: ابوبکر، عمر، عثمان، علی و عمر بن عبد العزیز.

#### 2- سلیمان بن داود بن جارود فارسی بصری، ابو داود طیالسی (د. 204ق)

از علمای به نام اهل سنت که دارای مسند است و عالمان اهل سنت زبان به ستایش او گشوده اند، ابوداود طیالسی است. در وصف او عباراتی چون ثقه، امین، کثیر الحفظ و اصدق الناس آورده اند که نشان از وجاهت او در میان عالمان این مذهب است. طیالسی مسند خود را بر اساس فضیلت صحابه آغاز کرده است. او احادیث

صحابیان پیامبر صلی الله علیه وآله را بر اساس ترتیب خلفا یعنی ابوبکر، عمر، عثمان و علی علیه السلام تنظیم کرده است که نشان از آن دارد که وی به فضیلت صحابه به همین ترتیب باور دارد.

3- محمد بن عبید طنافسی (د. 204 ق)

محمد بن عبید طنافسی کوفی که نزد اهل سنت ثقه و مورد اعتماد است، بر خلاف عموم کوفیان که علی علیه السلام را بر عثمان برتر می دانند عثمان را برتر از علی علیه السلام دانسته، حتی در نقلی از او برترین ها را پس از رسول الله صلی الله علیه وآله به ترتیب ابوبکر، عمر و عثمان برشمرده و درباره ی فریبکاری کوفیان در این مورد مردم را برحذر داشته است.

4- عبدالرزاق بن همّام صنعانی (د. 211 ق)

وی از عالمان به نام اهل سنت است که از اوزاعی، ابن جُرّیج و سفیان ثوری و برخی دیگر روایت می کند. نیز احمد بن حنبل، ابن معین، دُهلّی و بعض دیگر از او روایت کرده اند. او به فضیلت ابوبکر و عمر بر علی علیه السلام تصریح کرده است.

5- یحیی بن معین (د. 233 ق)

ابن معین از عالمان به نام اهل سنت است که ابن مدینی که خود از عالمان برجسته است دانش مردمان را منتهی به وی می داند . او درباره ی خلافت و فضیلت صحابه ابوبکر، عمر، عثمان و علی علیه السلام را به ترتیب بر شمرده است.

6- عبدالله بن محمد بن ابراهیم بن عثمان کوفی عبسی، ابن ابی شیبّه (د. 235 ق)

ایشان دارای مصنّف است و بزرگان اهل سنت از او به



دانشمندی ثقه، افقه و احفظ یاد کرده اند. وی آثاری در فقه و تفسیر دارد و بزرگانی چون بخاری از او حدیث نقل کرده اند. ایشان در مصنف خود در بخش فضائل در ابتدا احادیثی درباره ی فضائل ابوبکر، سپس عمر، عثمان و علی علیه السلام آورده است.

7- احمد بن حنبل (د. 241 ق)

احمد بن حنبل از امامان چهارگانه ی اهل سنت است. گروهی از دانشمندان اهل سنت ایشان را از عالمان، صاحب نظران و منتقدان از نسل سوم علمای بغداد و افقه و از اعلام دین شمرده اند. او مسندی از احادیث گرد آورد و درباره ی آن گفت: من این کتاب را به عنوان راهنمای مسلمانان تدوین کردم که اگر مردم در سنتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله اختلاف کردند به آن مراجعه کنند و اگر در آن نیافتند، باطلش انگارند.

وی مسندش را بر اساس صحابه سامان داده، از خلفای راشدین آغاز کرده است. در آغاز ابوبکر، پس از آن عمر و بعد از آن عثمان و علی علیه السلام را ذکر کرده است و همچنین نظر خود را درباره ی خلفا به ترتیب این گونه بیان می کند: ابوبکر، ثم عمر، ثم عثمان، ثم علی . از پرسش هایی که از ابن حنبل در باره ی ترتیب خلفا در فضیلت پرسیده اند او بر همین جواب پای فشرده، که نشان می دهد درباره ی فضیلت خلفا همچنان در مجالس و محافل در نیمه ی نخستین سده ی سوم نزاع بوده است.

8- هشام بن عمار (د. 245 ق)

دانشمندان اهل سنت هشام بن عمار را خطیب دمشق، صدوق، کیس، ثقه

ص: 12

و همچنین کسی که عمر زیاد همراه با صحت عقل روزیش شده بود، یاد کرده اند. ایشان همچون شافعی تعداد «خلفای راشدین» را پنج نفر و به ترتیب ابوبکر، عمر، عثمان، علی علیه السلام، و عمر بن عبد العزیز می دانند.

#### 9- عبد بن حمید بن نصر الکیسی (د. 249ق)

عبد بن حمید بزرگان از پیشوایان پارسا، جلیل القدر نزد اهل سنت است. او نیز مسندش را بر اساس صحابه سامان داده است و از خلفای راشدین آغاز کرده است. مسند ابوبکر، مسند عمر، مسند عثمان و مسند علی علیه السلام آغازین مسانید کتاب او است.

#### 10- ابو عثمان عمرو بن بحر، جاحظ (د. 255ق)

از عالمان به نام اهل سنت است او را بر همه ی دانش ها آگاه دانسته اند. جاحظ در خصوص خلافت و امامت خلفای راشدین، همان عقیده ی اهل سنت و جماعت را پذیرفته است و درباره ی تفضیل ابوبکر بر علی علیه السلام کتاب العثمانیه را نوشت. در این کتاب، بسیاری از اصول مسلم و مورد قبول تمام فرقه های اسلام را انکار کرده و مهم ترین هدف او در کتاب، شکستن مقام و منزلت علی علیه السلام بوده و به هر وسیله ی ممکن قصد مخدوش کردن آن سیمای الهی را داشته و در کنار این هدف، دائما در توجیه کارهای خلفای سه گانه سعی کرده و آن ها را با علی علیه السلام مقایسه می کند و با ادله ی سست در پی اثبات افضلیت آن هاست که در نتیجه متهم به عثمانیه شد. ولی گفتنی است که او خود در کتاب الحیوان این اتهام را دفع کرد

و نوشت من قائل به قول عثمانیه (یعنی قول به تفضیل ابوبکر بر علی) نیستم، بلکه فقط ناقل اقوال آن ها هستم.

جاحظ در البیان و التبیین از خطبه ی وداع پیامبر صلی الله علیه و آله شروع کرده و بعد به ترتیب، خطبه ی ابوبکر را در وصیتی از ابوبکر به عمر و وصیت عمر به خلیفه ی بعدش و رساله ی عمر به ابو موسی اشعری و بعد از این خطبه ی حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام را آورده است.

#### 11- أبو عبد الله بخاری محمد بن إسماعیل (د. 256ق)

کتاب او الجامع الصحیح در میان عالمان اهل سنت از جایگاه بس ممتازی برخوردار است، به گونه ای که آن را تالی تلو قرآن و صحیح ترین کتاب ها پس از کتاب خدا دانسته اند. ابن حجر در مقدمه ی شرح خود بر صحیح بخاری در فصلی از اصح بودن این کتاب دفاع کرده است. نووی می نویسد: علما یک صدا معتقدند که صحیح ترین کتاب ها پس از قرآن، صحیح بخاری و صحیح مسلم است و امت همگی این دو کتاب را پذیرفته اند و کتاب بخاری در مقایسه با صحیح مسلم صحیح تر و فایده اش بیشتر است. بخاری خود نیز از حجیت و صحت روایات صحیح خود دفاع کرده و گفته است که این کتاب میان من و خدایم حجت است. من جز حدیث صحیح در آن نیاوردم.

بخاری در حدیثی که درباره ی فضایل صحابه از ابن عمر نقل کرده باور خود به فضل صحابه را آشکارا بیان می کند: حدثنا عبد العزيز بن عبد الله حدثنا سليمان عن يحيى بن سعيد عن

نافع عن ابن عمر رضی الله عنهما قال: كان نخير بين الناس في زمن النبي صلى الله عليه وسلم فنخير أبا بكر ثم عمر بن الخطاب ثم عثمان بن عفان رضی الله عنهم.

ترتیب ذکر فضائل از ابوبکر، سپس عمر و بعد عثمان، آن گاه علی علیه السلام در صحیح بخاری خود شاهد روشنی است بر این که علی علیه السلام را در فضیلت، در مرتبت پایین تری از سه خلیفه ی پیشین می داند. در باب مناقب المهاجرین و فضلهم در صحیح بخاری نیز احادیث به وضوح بر این امر دلالت می کند.

#### 12- مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (د. 261ق)

وسعت دانش مسلم در زمینه ی روایات و نیز پرکاری اش سبب شد که علما بر امامتش اجماع کنند و بزرگانی چون احمد بن سلمه و ابو عیسی ترمذی که در حدیث همپای او به شمار می رفتند، از او حدیث نقل کنند. محمد بن ماسرجی می گوید: از مسلم شنیدم که گفت: کتاب صحیح را از میان سیصد هزار حدیث که خود شنیدم، فراهم آوردم. و بنا به نقل ابن کثیر عالمان در غرب جهان اسلام و ابوعلی نیشابوری در شرق جهان اسلام صحیح بخاری را ترجیح می دهند. مسلم در کتاب خود درباره ی فضایل صحابه، به ترتیب ابوبکر، عمر، عثمان و حضرت علی علیه السلام را می آورد.

#### 13- ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی ابن ماجه (207-273ق)

ذهبی با اوصاف حافظ، کبیر، حجت، مفسر و حافظ قزوین در زمان خود، از او یاد می کند. از آنجا که ابن ماجه در سال 273 درگذشت، بخشی از عمر او

و حیات مشایخ ایشان در زمان امام هادی علیه السلام بوده است. احادیثی که در فضائل خلفا و پیروی از آن ها نقل می کند، از مشایخی است که با امام هادی علیه السلام معاصر بوده اند. عبدالله بن احمد بن بشیر بن ذکوان (د. 242ق) از مشایخ اوست که حدیثی را در تبعیت از «خلفای راشدین» برای ابن ماجه تحدیث کرده است. حدیث چنین است: حدثنا عبد الله بن أحمد بن بشير بن ذكوان الدمشقي، ثنا الوليد بن مسلم، ثنا عبد الله بن العلاء (يعني ابن زبير). حدثني يحيى بن أبي المطاع، قال: سمعت العرباض بن سارية يقول: قام فينا رسول الله صلى الله عليه وسلم، ذات يوم، فوعظنا موعظة بليغة وجلت منها القلوب وذرفت منها العيون. فقبل: يا رسول الله. وعظتنا موعظة مودع. فاعهد إلينا بعهد. فقال "عليكم بتقوى الله. والسمع والطاعة، وإن عبدا حبشيا. وسترون من بعدى اختلافا شديدا. فعليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين. عضوا عليها بالنواجذ. وإياكم والأموال المحدثات. فإن كل بدعة ضلالة.

همچنین ایشان در سنن خود در باب فضایل صحابه به ترتیب فضل ابوبکر، عمر، عثمان و حضرت علی علیه السلام را می آورد. با توجه به اینکه ابن ماجه از مشایخ خود این احادیث را روایت می کند، پذیرش اعتقاد به تربیع در میان مشایخ پیش از او به مثابه ی سنتی جا افتاده است.

14- سلیمان بن اشعث ابو داود سجستانی (د. 275ق)

ذهبی در کتابش سجستانی را با صفاتی همچون امام، شیخ السنة، مقدم حفاظ و محدث بصره یاد می کند. او در سنن خود، بابی به عنوان باب التفضیل و باب الخلفاء دارد

که در بخش باب التفضیل سخنانی را از ابن عمر و محمد بن حنفیه می آورد، که نشان گر دیدگاه اوست. او در این باب، پنج حدیث آورده است؛ در سه متن اول، سه نفر برتر پس از پیامبر صلی الله علیه وآله را، ابوبکر، عمر و عثمان دانسته و سخنی از علی علیه السلام نیست. ابوداود این سه متن را از عثمان بن شیبه (د. 239ق)، احمد بن صالح (د. 248ق) و محمد بن کثیر (د. 223ق) روایت می کند، که هر سه معاصر امام هادی علیه السلام هستند. در حدیث چهارم، شایسته تر بودن و احقیت علی علیه السلام نسبت به ابوبکر و عمر را خطا می داند و در سخن پنجم محمد بن یحیی بن فارس (د. 258ق) استاد ابن ماجه از سفیان ثوری (د. 161ق) نقل می کند که خلفا را پنج نفر می داند: حدثنا محمد بن یحیی بن فارس، ثنا قبیصة، ثنا عباد السماک، قال: سمعت سفیان الثوری یقول: الخلفاء خمسة: أبوبکر و عمر و عثمان و علی و عمر ابن عبد العزیز رضی الله عنهم.

احادیث باب بعد، یعنی «باب فی الخلفاء» نیز به صراحت بر همین دیدگاه دلالت دارد.

حاصل آنچه آمد این است که در نیمه ی نخست قرن سوم چهارم دانستن امیرالمومنین علی علیه السلام در میان «خلفای راشدین» و تفضیل ابوبکر، عمر و عثمان بر آن حضرت امری پذیرفته شده در مجامع آن زمان بوده است. حضور چنین اندیشه ای خود، زمینه را برای صدور چنان زیارتی آماده می کند.

## اجماع، قرآن و حدیث

پرسش دوم این است که چرا امام هادی علیه السلام در این حجم

گسترده از قرآن و روایات استفاده کرده است؟ آنچه در این آیات و روایات آمده، یاری‌گر نظریه‌ی شیعه در خلافت است و باور این مضمون برای اهل سنت بسی مشکل است. امام هادی علیه السلام روش حلّ این مشکل و معضّل را در متنی دیگر تبیین کرده است. تفصیل متن مزبور در تحف العقول و خلاصه‌ای از آن را طبرسی در الاحتجاج نقل کرده است. این متن که به نظر می‌رسد در پاسخ به اختلاف شیعیان در مسائل قدر، جبر و تقویض نوشته شده است، از دو بخش ارائه‌ی روش و متن تشکیل شده است.

امام علیه السلام در بخش اول برای رسیدن به مسائل اصلی مورد اختلاف راهکاری ارائه می‌دهد و بر اساس آن راهکار به مسائل پاسخ می‌دهد و جالب است که امام همان روش را در زیارت مورد بحث به کار گرفته است. امام علیه السلام چنین بحث را آغاز می‌کند که به دلیل اینکه همه‌ی امت جملگی و بدون اختلاف قرآن را تصدیق کرده و آن را حق می‌دانند، پس حق است؛ چرا که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى ضَلَالَةٍ؛ امت من بر گمراهی اتّفاق نکنند» و از آنجا که در درستی تنزیل و تصدیق قرآن میان مسلمانان اختلافی نیست، احادیث هم باید بر اساس قرآن سنجیده شوند و احادیث موافق قرآن بایست پذیرفته شود. و اگر گروهی خبری را که قرآن به تصدیق و حق بودن آن گواهی داده، انکار کند، باید به اقرار به این خبر ملزم شوند؛ زیرا امت بر تصدیق

قرآن اجتماع کرده است. نخستین نمونه‌ی امام هادی علیه السلام حدیث تقلین است که دارای شاهد قرآنی است. نمونه‌های دیگر از این قرار است: حدیث بخشیدن انگشتری در رکوع، حدیث غدیر، حدیث منزلت و... .

در این روایت اجماع امت بر حقانیت قرآن ملاک صحت قرآن است و قرآن میزان صحت حدیث. از این رو بر آنچه امت اجماع کرده و کسی در آن اختلاف ندارد باید پای فشرد و در راستی و درستی آن تردید روا نیست.

نکته‌ی جالب این است که شافعی (د. 204ق) در الرسالة که به تبیین مبانی اصول فقه پرداخته است در مبحث اجماع چنین گفته است که عامه‌ی مسلمانان بر خلاف سنت رسول الله صلی الله علیه وآله و خطا اجتماع نمی‌کنند. و این سخن با عدم اجتماع امت بر گمراهی در کلام امام هادی علیه السلام یکسان است. نیز وی تصریح کرده است که هر کس به قول جماعت مسلمانان قائل شود حتماً ملازم جماعت آنان شده است. از آنجا که شافعی نظریه پرداز برای اهل سنت به شمار می‌رود و با نوشتن الرسالة مبانی نظری اندیشه‌های اهل سنت را نهادینه کرد، کلام امام هادی علیه السلام ناظر به پذیرفتن همین مبانی اجماع نزد اهل سنت باشد.

اکنون می‌توانیم به پرسش مطرح شده یعنی چرایی حجم گسترده‌ی استفاده از آیات و روایات در زیارت چنین پاسخ دهیم که امام هادی علیه السلام به دلیل اجتماع امت بر قرآن به آیات استناد کرده و روایات را همراه با آن آورده است تا همراهی روایات با آیات را در مبحث ولایت



## نتیجه

امام هادی علیه السلام در این زیارت از هجده آیه ی تلمیح، سی و دو آیه ی تضمین و بیست و هشت آیه ی اقتباس شده استفاده می کنند و همچنین سه حدیث تضمینی، هفت حدیث اقتباسی و هشت حدیث تلمیحی در این زیارت دیده می شود. در مجموع امام هادی علیه السلام از هفتاد و هشت آیه و هجده حدیث نبوی بهره برده اند. نیز وقایعی که تاریخ اسلام به آن اذعان دارد را به عنوان سندی محکم برای اثبات ولایت امیرالمومنین علی علیه السلام بیان می کنند.

با بررسی نظر نوزده تن از عالمان به نام اهل سنت در نیمه ی نخست قرن سوم و چهارم دانستن امیرالمومنین علی علیه السلام در میان «خلفای راشدین» و تفضیل ابوبکر، عمر و عثمان بر آن حضرت که امری پذیرفته شده بود. حضور چنین اندیشه ای خود زمینه را برای صدور چنان زیارتی آماده می کند.

اهمیت قرآن و اصل بودن آن نزد همه ی مسلمانان و اجتماع بر محوریت آن نشان از معیار بودن دارد. امام هادی علیه السلام با بهره بردن از نظریه ی شافعی در مبحث اجماع، نیز واقعیت خارجی اجماع امت بر قرآن و حدیث نبوی عدم اجتماع امت بر گمراهی زیارت را با آن محتوای شامل بر ولایت و فضیلت امیر مومنان علیه السلام فرمود تا جامعه راه را از بیراه تشخیص دهد.

## منابع

قرآن کریم.

ابن ابی حاتم الرازی، عبدالرحمان، الجرح والتعديل، بیروت، دار إحياء التراث العربی، 1371ق.

ابن ابی شیبة الکوفی، عبدالله بن محمد، المصنف، بیروت، دار الفکر، 1409ق.

ابن بابویه، محمد بن علی

ص: 20

(صدوق)، الاعتقادات، قم، كنگره ی شیخ مفید، 1414ق.

عیون أخبار الرضا، تهران، نشر جهان، 1378ق.

معانی الأخبار، قم، جامعه مدرسین، 1361.

من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، 1363.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوك، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1412ق.

ابن حجر، احمد بن علی، النکت علی کتاب ابن الصلاح، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول، 1414ق.

ابن حکم حبری، حسین، التفسیر، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، بیروت، آل البيت، 1408ق.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبی طالب، قم، علامه، 1379ق.

ابن طاووس، عبدالکریم بن احمد، فرحة الغری فی تعیین قبر أمير المؤمنين علی بن أبی طالب علیه السلام فی النجف، قم، رضی، بی تا.

ابن طاووس، علی بن موسی، الیقین فی اختصاص مولانا علی علیه السلام بامرة المؤمنين، قم، دار الکتب، 1413ق.

ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، بی تا.

ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، فضائل أمير المؤمنين علیه السلام، جمع و تحقیق عبدالرزاق حرز الدین، قم، دلیل ما، 1424ق.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر الدمشقی، البداية و النهاية، بیروت، دار الفکر، 1407ق.

ابن مغازلی شافعی، علی بن محمد، مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ سوم، بیروت، دار الأضواء، 1424ق.

ابوریه، محمود، اضواء علی السنة المحمدية، قم، بطحاء، بی تا.

أحمد بن حنبل، المسند احمد، بیروت، دار صادر، بی تا.

احمدی، عبد الله بن سلمان، المسائل و الرسائل المرویه عن الامام احمد بن حنبل فی العقیده، ریاض، دار طیب، 1416ق.

اربلی، علی بن

عيسى، كشف الغمة في معرفة الأئمة، تبريز، بي نا، 1381ق.

اصفهاني، ابوالفرج على بن حسين، مقاتل الطالبيين، تحقيق سيد احمد صقر، بيروت، دار المعرفة، بي تا.

اميني، عبد الحسين، الغدير في الكتاب و السنة و الأدب، قم، مركز الغدير للدراسات الاسلاميه، 1416ق.

بخاري، ابو عبد الله محمد بن إسماعيل، الجامع الصحيح، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، 1401ق.

برقي، احمد بن محمد، المحاسن، تحقيق جلال الدين محدث، قم، اسلاميه، 1371ق.

بهايي، محمد بن حسين، الوجيزة في علم الدراية (مقدمة الحبل المتين)، تحقيق سيد بلاسم موسوي حسيني، مشهد، آستان قدس رضوي، 1424ق.

بياضى نباطى عاملى، على بن يونس، الصراط المستقيم إلى مستحقى، التقديم، تحقيق، ميخائيل رمضان، نجف، مرتضويه، 1384ق.

تفتازانى، سعد الدين، شرح المختصر، قم، دار الحكمة، 1377.

تهرانى، (آقا بزرگ)، محمد محسن، الذريعة الى تصانيف الشيعة، قم و تهران، اسماعيليان و اسلاميه، 1408ق.

جاحظ، ابى عثمان عمرو بن بحر، البيان والتبيين، مصر، المكتبة التجارية الكبرى لصاحبها مصطفى محمد، 1345 ق.

العثمانية، مصر، مكتبة الجاحظ، بي تا.

الحيوان، چاپ دوم، بيروت، دار الكتب العلمية، 1424ق.

جعفریان، رسول، حیات فکری سیاسى امامان شیعه، انصاریان، قم، 1381.

حرانى، حسن بن على بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، تصحيح على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسين 1404ق.

حسکانى، عبید الله بن عبدالله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامى، 1411 ق.

حلى (علامه)، حسن بن يوسف مطهر، نهج الحق و كشف الصدق، بيروت، دار الكتاب اللبناني، 1982م.

حميدى، عبد الله بن الزبير، منتخب مسند عبد بن حميد، بيروت، دارالكتب العلمية، 1409ق.

خطيب بغدادى، ابو بكر أحمد بن على، تاريخ بغداد (د).

دينة السلام)، تحقيق مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، بی تا.

دمیری، کمال الدین، حياة الحيوان، بيروت، دار الكتب العلمية، 1424 ق.

ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير و الاعلام، تحقيق عمر عبدالسلام تدمري، بيروت، دار الكتاب العربي، 1410 ق.

سير اعلام النبلاء، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1413 ق.

سجستاني، ابو داود سليمان بن الأشعث، السنن، بيروت، دار الفكر، 1410 ق.

سيوطي، جلال الدين، الدر المنثور في تفسير المأثور، قم، كتابخانه آية الله مرعشي نجفي، 1404 ق.

شافعي، محمد بن ادريس، الرسالة، تحقيق، احمد محمد شاكر، بيروت، دار الكتب العلمية، بی تا.

شرف الدين، سيد عبد الحسين، المراجعات، چاپ دوم، قم، المجمع العالمي لأهل البيت، 1426 ق.

شهرزوري، عثمان بن عبد الرحمن، مقدمة ابن الصلاح، بيروت، دار الكتب العلمية، 1416 ق.

شهرزوري، محمد جعفر، "نگاهی کلی به اسباب صدور احاديث"، علوم حديث، ش 39، 1385 ش.

صالحی دمشقی، ابو عبدالله محمد بن احمد، طبقات علماء الحديث، تحقيق اكرم بوشی و ابراهيم زبيق، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1996 م.

طبرسي، احمد بن علي، الإحتجاج على اهل اللجاج، مشهد، مرتضى، 1361.

طبري، محمد بن جرير بن رستم، دلائل الامامة، قم، بعثت، 1413 ق.

طوسي، محمد بن الحسن، الغيبة، تحقيق تهراني و ناصح، قم، موسسه معارف اسلامي، 1411 ق.

الرجال تحقيق جواد قيومي اصفهاني، قم، جامعه آي مدرسين، 1373 ش.

طيالسي، سليمان بن داود، المسند، بيروت، دار المعرفه، بی تا.

عاملی جزینی، محمد بن مکی (شهيد اول) المزار، قم، مؤسسه امام مهدي، 1410 ق.

عاملی، محمد بن حسن (شيخ حر)، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بيروت، مؤسسة الأعلمی، 1422 ق.

امل الآمل في علماء جبل عامل، تحقيق سيد احمد حسيني، بغداد، مكتبة اندلس، 1385 ق.

عطاردي، عزيز الله، مسند الإمام



الجواد، مشهد، آستان قدس رضوی، 1410ق.

علوی، یحیی بن حمزه، الطراز لأسرار البلاغة وعلوم حقائق الإعجاز، بیروت، مكتبة عنصرية، 1423ق.

علی بن جعفر، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، قم، مؤسسة آل البيت، 1409ق.

عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، تهران، علمیه، 1380ق.

فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1420ق.

قزوینی، محمد بن یزید (ابن ماجه)، السنن، بیروت، دار الفکر، بی تا.

الکلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، 1362.

کوفی، فرات بن ابراهیم، التفسیر، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، 1410ق.

مجلسی، محمد باقر (علامه)، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403ق.

مفتاح الجنان، تحقیق علاء الدین اعلمی، بیروت، اعلمی، 1423ق.

المدینی الأصبهانی، محمد بن عمر بن أحمد بن عمر بن محمد بن أحمد أبو موسی، خصائص مسند الإمام أحمد، ریاض، مكتبة التوبه، 1410ق.

المرعشی التستری، نور الله، إحقاق الحق وإزهاق الباطل، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، 1409ق.

مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، تهران، سمت و دانشکده علوم حدیث، 1384ش.

مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم، انصاریان، 1426ق.

مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الكبير، تحقیق جواد قیومی، قم، جامعه مدرسین، 1419ق.

مفید، محمد بن محمد العکبری، الأمالی، قم، کنگره ی شیخ مفید، 1413ق.

منتجب الدین، علی بن عبیدالله، الفهرست، تحقیق جلال الدین محدث، قم، کتابخانه ی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، 1422ق.

نجاشی، احمد بن علی، فهرست أسماء مصنفی الشیعه، قم، جامعه مدرسین، 1365ش.

نجفی، محمد جواد و حمزه حاجی، "پژوهشی در اسباب ورود حدیث"، پژوهش نامه قرآن و

حديث، ش 3، 1386ش.

نورى، حسين بن محمد تقى، خاتمة مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بيروت، مؤسسة آل البيت(ع)، لاهياء التراث، بى تا.

نوى، محى الدين يحيى بن شرف، شرح صحيح مسلم، بيروت، دار الكتاب العربى، 1407ق.

نويرى، شهاب الدين، نهاية الإرب فى فنون الأدب، قاهره، دار الكتب و الوثائق القومية، 1423ق.

نیشابورى، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، بيروت، دار الفكر، بى تا.

ص: 25

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

